

حمایت از کار و سرمایه

توسعه علمی

همایش

## بررسی تحولات اخیر سوریه

(اهداف و چشم انداز فرارو)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۱



موسسه مطالعات ایران معاصر  
Institute for Iranian Contemporary  
Historical Studies



## **مقام معظم رهبری:**

**وجود مقدس نبی مکرم و رسول اعظم اسلام،  
مهمترین نقطه ایجاد وحدت است .**



# فهرست مطالب

- مقدمه دبیر همایش / دکتر حسین احمدی ..... ۱  
برنامه همایش ..... ۳

## خلاصه مقالات :

- نقش اخوان المسلمین در تحولات اخیر سوریه / آقای حسین رویوران ..... ۴  
روسیه و بحران سوریه / دکتر جهانگیر کریمی ..... ۶  
نگاه ترکیه به تحولات سوریه / دکتر حسن لاسجردی ..... ۹  
سیاست امریکا در برابر تحولات سوریه / دکتر محمد فرهاد کلینی ..... ۱۳  
رژیم صهیونیستی، بیداری اسلامی در تحولات سوریه / آقای هادی محمدی ..... ۱۵  
راهبرد محور مقاومت در سوریه و ابتکارات سیاسی / دکتر حسین امیر عبداللهیان ..... ۱۷  
نقش عربستان و قطر در بحران جاری سوریه / آقای سید حسین نیکنام ..... ۲۰  
اقدامات حوزه مطالعات سیاست خارجی ..... ۲۱

## مقدمه

خاورمیانه به دلیل داشتن منابع زیرزمینی و بازار مناسب همیشه ضمن خام فروشی و خرید کالا در صد سال اخیر، به ناچار هماهنگ با برنامه‌های امریکا و اروپای غربی بوده است. قدرتهای غربی به ویژه انگلیس با برنامه ریزی دقیق با تزریق اختلافات درون و برون ملیتی، همواره از اتحاد یکپارچگی ملتها و دولتها جلوگیری و مانع رشد و توسعه این کشورها را فراهم نموده‌اند به طوری که با وجود ثروت فراوان هنوز در میان بیش از بیست کشور خاورمیانه کشوری دارای نشان تجاری معتبر بین‌المللی - برای فروش کالا- وجود ندارد اما ظاهراً بیداری مردم خاورمیانه آغازی بر پایان تسلط بی چون و چرای امریکا و اروپای غربی بر این سرزمین غنی می‌باشد. روی کار آمدن اسلام گرایان با برگزاری انتخابات در چند کشور عربی، نشان از بستر دینی و مذهبی این حرکت دارد.

غرب به رهبری امریکا و انگلیس با بهره‌گیری از اختلافات داخلی و عدم وجود مبانی قدرت در ساختار کشور لیبی بر مخازن نفتی شیرین و سبک این کشور مسلط شد اما کشته شدن سفیر و چند دیپلمات امریکا در لیبی نشان از امواج ناشناخته غیر قابل پیش بینی داد که شاید در لیبی و دیگر کشورهای خاورمیانه دامن امریکا و اروپا را بگیرد ضمن این که حساسیت روسیه و چین دو قدرت بزرگ سرمایه گذار در لیبی از تسلط غرب بر این کشور آفریقائی ثروتمند برانگیخته شد.

کشورهای عربستان و قطر که به همراه ترکیه نقش بالفعلی را در لیبی بازی کرده بودند سعی در پیاده کردن سناریو لیبی در سوریه نمودند تا با خروج سوریه از محور مقاومت و به دنبال آن حذف حزب ا...، هوای تازه در کالبد بی‌رمق رژیم صهیونیستی دمیده باشند. تحت فشار امریکا، اروپا، سازمان ملل و نماینده آن کوفی عنان با خروج ارتش سوریه از شهرها و نقاط استراتژیک مخالفان مسلح از ملیت‌های مختلف در بسیاری از مناطق تخلیه شده مستقر شدند و بدینوسیله سوریه در بحران عمیقی رفت.

رجب طیب اردوغان در ملاقات با بلندپایه سیاسی ایران در آغاز سال ۱۳۹۱، از پایان حاکمیت بشار اسد در ظرف دو هفته آینده خبر داده بود اما حمایت‌های لایه‌های اجتماعی مختلف اعم از علویان، مسیحیان و... از نظام سوریه و جانبداری قدرتهای کشورهای روسیه، چین و ایران، به آرامی ورق جنگ را بر ضد مخالفان سوریه پیش برد. گرچه از تحولات سوریه نمی‌توان به سادگی گذشت ولی به نظر می‌رسد عدم توفیق قدرتهای عربی - غربی با همراهی پیاده نظامی به نام ترکیه، هزینه‌های قابل توجهی برای قدرتهای دیگر به جای خواهد گذاشت.

حوزه مطالعات سیاست خارجی موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران با برگزاری این همایش امیدوار است گامی در جهت بهتر شناختن تحولات سوریه در راستای منافع ملی ایران برداشته باشد.

**دکتر حسین احمدی**

**دبیر همایش**

**برنامه**  
**همایش ملی**  
**«بررسی تحولات سوریه»**

۱۰ مهر ۱۳۹۱

ساعت	سخنران	موضوع
۹-۹/۰۵	—	تلاوت آیاتی از قرآن مجید
۹/۰۵-۹/۱۵	دکتر حسین احمدی دبیر همایش	گزارش شکل گیری همایش
۹/۱۵-۱۰/۱۵	<b>جلسه اول</b>	
	دکتر موسی حقانی	<b>رئیس جلسه</b>
۹/۱۵-۹/۳۵	آقای حسین رویوران	نقش اخوان المسلمین در تحولات اخیر سوریه
۹/۳۵-۹/۵۵	دکتر جهانگیر کرمی	روسپه و بحران سوریه
۹/۵۵-۱۰/۱۵	دکتر حسن لاسجردی	نگاه ترکیه به تحولات سوریه
۱۰/۱۵-۱۰/۳۰		پذیرایی
۱۰/۳۰-۱۲	<b>جلسه دوم</b>	
	دکتر علیرضا بیگدلی	<b>رئیس جلسه</b>
۱۰/۳۰-۱۰/۵۰	دکتر محمد فرهاد کلینی	سیاست امریکا در برابر تحولات سوریه
۱۰/۵۰-۱۱/۱۰	آقای هادی محمدی	رژیم صهیونیستی، بیداری اسلامی و تحولات سوریه
۱۱/۱۰-۱۱/۳۰	دکتر حسین امیر عبداللهیان	راهبرد محور مقاومت در سوریه و ابتکارات سیاسی
۱۱/۳۰-۱۱/۵۰	آقای سیدحسین نیکنام	نقش عربستان و قطر در بحران جاری سوریه
۱۱/۵۰-۱۲		جمع بندی
۱۲		پرسش و پاسخ
		نماز و ناهار



## نقش اخوان المسلمین در تحولات اخیر سوریه

حسین رویوران\*

با آغاز موج اعتراضات بر ضد نظام بشار اسد در سوریه از یک سال و نیم پیش، جنبش اخوان المسلمین این کشور که به علت سرکوب چند دهه به یک جنبش زیرزمینی تبدیل شده بود، وارد صحنه مبارزه شده و همه امکانات خود را در این راه به کار برد. در این فرآیند اخوان سوریه به تغییرات رفتاری تازه‌ای دست زدند که به شرح زیر است:

۱- جنبش اخوان المسلمین در اصل یک حرکت دعوتی است که معتقد است تحولات فرهنگی در جامعه مقدمه لازم و ضروری برای حاکم کردن اسلام در هر جامعه است و این جنبش شیوه‌های مبارزه مسلحانه بر ضد نظام باهدف براندازی و رسیدن به قدرت را رد می‌کند. اما با آغاز تحولات اخیر در سوریه، این جنبش نخست عنوان خشونت در مقابل خشونت، دست به سلاح برده و با تغییر رویکرد، جنگ برای سرنگونی نظام بعثی حاکم در دمشق به رهبری بشار اسد را آغاز کرده است.

این رفتار در تاریخ اخوان سوریه تازه‌گی ندارد و اخوان در سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ و اوج آن در واقعه در سال ۱۹۸۲ حمه همین رفتار را تکرار کرده که با سرکوب نظام سوریه روبرو شدند اخوان پس از این واقعه همواره در ادبیات خود این رفتار را اشتباه می‌خواند اما اکنون همین مساله به گونه دیگری در حال تکرار است.

۲- جنبش اخوان المسلمین به طور کلی یک جریان اصیل و مستقل اسلامی است که ۸۴ سال سابقه فعالیت سیاسی و دینی دارد. سیاست اتخاذ و ائتلاف اخوان شاخه سوریه این جنبش در حوادث اخیر با کشور ترکیه قابل درک است و در چارچوب داخلی صورت می‌گیرد چرا که حزب عدالت و توسعه ترکیه نیز یک جریان اخوانی است اما تبعیت از کشورهای قطر و عربستان سعودی که خود به غرب وابسته هستند یک رفتار جدیدی است

---

\* کارشناس ارشد خاورمیانه.

که استقلال و همپیمان‌های این جنبش را زیر سوال می‌برد و یکی از مهمترین ارکان هویتی آن را در معرض بده و بستان قرار می‌دهد.

۳- جنبش اخوان المسلمین دارای نگاه دینی غیر تفکری است و قطعاً با گروه‌های جهادی تکفیری بسیار متفاوت است. همکاری کنونی میان جنبش اخوان المسلمین با سلفی‌های وهابی و القاعده که همگی تکفیری هستند، یک رفتار جدیدی است که سابقه نداشته است و این رفتار نیز یکی از اصول مسلم اخوان را در معرض بده و بستان قرار می‌دهد. در مصر اخوان با سلفی‌های حزب نور - به رغم کنار گذاشتن رفتار تکفیری و جهادی توسط آنها - تاکنون همکاری نزدیکی نداشته است.

۴- جنبش اخوان المسلمین همواره به عنوان یک جریان معتدل و میانه رو معرفی شده و در سوریه همواره با دیگر اقلیت‌های اجتماعی مانند مسیحیان، علویان، شیعیان، اسماعیلیان، درزی‌ها و اقلیت کرد دارای روابط حسنه بوده و هیچ‌گاه سیاستهای ستیزگرانه و حذفی نسبت به دیگران در پیش نگرفته بودند. با آغاز تحولات اخیر سوریه جریان اخوان و سلفی‌های تکفیری نه تنها همکاری گسترده سیاسی پیدا کرده که در حمله به اقلیت‌ها و کشتار تعدادی از آنها و انهدام برخی کلیساها، همکاری نزدیکی داشتند. و این رفتار گروه اخوان را از یک گروه کلان نگر ملی به یک گروه خردنگر مذهبی تنزل داده است.

۵- شناور سازی بسیاری از اصول اخوان در سیاستهای اخوان سوریه و تاکتیکی برخورد کردن در حوادث اخیر، پایگاه اجتماعی اخوان در سوریه را تضعیف کرد به گونه‌ای که اکثر کارشناسان معتقدند در حال حاضر این جریان حداکثر از پایگاهی ۲۰٪ در میان جامعه سوریه برخوردار است. دفاع از رفتار تکفیری‌ها در کشتار اقلیت‌های قومی و مذهبی و پذیرش امیر شدن فلان جهادگر چچنی و یا عراقی و یا سعودی در این مرحله یا بخش، این ریزش وسیع را پدید آورد و به نظر می‌رسد که تحولات سوریه امتحان سختی برای اخوان بوده است و این رفتارهای بی‌قاعده، دولت را حامی اصلی اقلیت‌ها و مدافع اصلی از استقلال ملی در مقابل دخالت بیگانگان در آورده است.

## روسیه و بحران سوریه؛

### دگرگونی موازنه ی راهبردی در مرزهای جنوبی

دکتر جهانگیر کرمی\*

بحران سوریه را باید با بحران اسپانیا در دهه سوم سده بیستم مقایسه کرد که جهان غرب پیرامون آن به دو قطب درگیر تقسیم شد و البته از جهاتی باید آن را حتی فراتر دانست، چون موضوع بازی از منطقه دورتر رفته و در سطح جهانی به نوعی شکاف امنیتی و نظامی منجر شده است. در این میان دولت روسیه نیز دارای منافع و دغدغه های امنیتی مهمی است و از این رو، کوشیده است تا سیاست مخالفت و مقابله با اقدامات مثلث غربی، عربی و ترکیه را در پیش گیرد. اما چرا روسیه تا این اندازه نگران تحولات سوریه است؟ این موضوعی است که در این نوشته به دنبال بررسی و تحلیل آن هستیم.

اهمیت سوریه برای روسیه هنگامی روشن خواهد شد که تحولات و رخدادهای دو سال اخیر را از نظر بگذرانیم. بحث گسترش ناتو یکی از این تحولات بنیادین در حوزه نفوذ روسیه است. گسترش ناتو که در زمان مدودیف و اوباما در قالب "طرح ریست" تقریباً به حالت تعلیق درآمده بود و در بیانیه هایی که در نشست لیسبون صادر می شد تقریباً بحث گسترش ناتو مطرح نبود، در بیانیه شیکاگو به حالت عکس درآمد و به صورت جدی بر گسترش آن تاکید شد. در همین راستا ابتکار استانبول و تحکیم نفوذ مدیترانه ای و حتی بحث عضویت فنلاند در ناتو مطرح شد. در این میان به خصوص طرح عضویت فنلاند و واکنش رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه، ژنرال ماکاروف امر عجیبی به نظر می رسد، زیرا این کشور حتی در اوج جنگ سرد حاضر به عضویت در ناتو نشد ولی اکنون بحث آن در پارلمان فنلاند مطرح می شود و وزیر خارجه را مامور بررسی جوانب الحاق به ناتو می کنند. روند فوق الذکر در گسترش ناتو چکیده ای از تحولات پس از سال ۲۰۱۰ و پس از نشست لیسبون است. اتفاق دیگری که همزمان با گسترش حوزه نفوذ ناتو

---

\*. دانشیار روابط بین الملل دانشگاه تهران

صورت گرفت، گسترش سپر موشکی بود. بسط و گسترش سپر موشکی نه تنها وضعیت تعلیق سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ را کنار گذاشته که حتی به رومانی، مغولستان و گفنگو با شورای همکاری خلیج فارس برای استقرار آن وارد شده است.

روسیه در رویارویی با این تحولات، این روند را به منزله محاصره بیش از پیش خود از جانب غرب فرض کرده و احساس خطر آن را جدی گرفته است. روسیه در همین راستا موضوع سوریه را ادامه روند محاصره خود می‌داند. روسیه با علم به این تهدید و برای مقابله با آن آرایش نظامی خود در یک سال گذشته را نسبت به قبل از آن متفاوت کرده و به حوزه جنوبی، دریای سیاه، قفقاز شمالی و حتی قفقاز جنوبی توجهی بیش از پیش مبذول و به گسترش پایگاههای نظامی پرداخته است. به طور نمونه می‌توان به تخلیه افراد غیر نظامی و بخش منازل مسکونی در پایگاه نظامی گیومری و تقویت توان ارتش روسیه در ارمنستان اشاره کرد. آنچه برای روسیه در سوریه اهمیت ویژه‌ای دارد، بیش از آنکه اقتصادی (علیرغم منافع اقتصادی ۲ میلیارد دلاری روسیه) و یا حتی نظامی (علیرغم اهمیت پایگاه طرطوس) باشد به نظر می‌رسد بحث تغییر موازنه منطقه‌ای در مرزهای جنوبی روسیه است، به خصوص اینکه ترکیه با عضویت در ناتو و اتحاد با غرب در حال پیدا کردن موقعیت ویژه‌ای در منطقه است. روسیه در حال تجربه همان وضعیتی است که در دهه ۸۰ و ۹۰ با آن مواجه بوده است. همکاری غرب و اسلام‌گرایان در دهه ۸۰ میلادی با سندروم افغانستان و در دهه ۹۰ با سندروم چین همراه بود و اکنون پس از یک دهه تعطیلی بر اثر حوادث یازده سپتامبر بار دیگر در حال تکرار همان تجربه است. پیوند غرب و اسلام‌گرایان با پادرمیانی ترکیه در بحث طالبان در افغانستان هم قابل مشاهده است و ترکیه تلاش می‌کند تا میان طالبان و آمریکا دیالوگ و ارتباطی برای دستیابی به یک توافق برقرار نماید. این در حالی است که غرب و به ویژه آمریکا با اسلام‌گرایان در حال توافقاتی برای کنار گذاشتن رفتارهای رادیکال هستند. به همین خاطر می‌بینیم در اوج تحولات بیداری اسلامی (بهار عربی) در منطقه، بن‌لادن، رهبر القاعده، کشته می‌شود ولی واکنش چندانی از سوی اسلام‌گرایان، به این دلیل که همه در بی نتیجه بودن مسیر

رادیکالیسم به اجماع دست یافته‌اند، صورت نمی‌گیرد. این جریان اکنون به این نتیجه رسیده که مسیر جدید جوابگوتر و حساسیت غرب نسبت به آن کمتر است. به این ترتیب روسیه اکنون وضعیتی را در حوزه نفوذ خود می‌بیند که تا پیش از این مشاهده نمی‌کرد. وضعیتی که در آن حکومت‌ها عوض نمی‌شوند ولی به لحاظ نرم افزاری تغییراتی در آنها رخ می‌دهد. به طوری که از یک طرف ناتو دولت عوض می‌کند و از طرف دیگر نشست های منطقه‌ای برای تغییر حاکمیت‌ها برگزار می‌کند. موضوعی که در حقوق بین‌الملل و بر مبنای منطق و استفالیایی تاکنون سابقه نداشته است. روسیه تحولات جدید را نرم افزاری و در راستای به هم خوردن موازنه منطقه‌ای به نفع ترکیه می‌بیند و نگران تاثیر پذیری قفقاز جنوبی، شمالی و مسلمانان روسیه از آن است. در عین حال نگران است که این تحولات در آینده در ابعاد مختلف برای روسیه مشکلاتی را ایجاد نماید.

به هر حال، روسیه در حوزه جنوبی و اور آسیای مرکزی با یک وضعیت بسیار پیچیده‌تر نسبت به گذشته روبرو شده است. به نظر می‌رسد امروز مرزهای خاورمیانه و آسیای مرکزی در حال فرو ریختن است و اگر تحولات در خاورمیانه تکمیل شود آنگاه مرزهای جنوبی در منطقه آسیای مرکزی فاصله‌های گذشته را از دست خواهد داد. فاصله‌هایی که روسیه پیش از این به وسیله ارتباط با دولت‌های منطقه ایجاد کرده بود. روسیه پیش از این و در مدت ده، دوازده سال اخیر مرزهای ژئوپلیتیک را به رسمیت شناخته بود و با دولت‌های منطقه و حتی با امارت و عربستان وارد دیالوگ شده بود. پیچیدگی وضعیت برای روسیه به حدی است که سفر پوتین به اسرائیل، علیرغم وجود دلایل مختلف که بیشتر با اصرار طرف اسرائیلی انجام شد، احتمالاً در راستای همین وضعیت حادث شده صورت گرفت. روسیه بعد از نامیدی از سوریه می‌تواند چشمی هم به اسرائیل و حساسیت‌های منطقه‌ای اسرائیل برای آینده داشته باشد. به نظر می‌رسد روسیه روی نقش اسرائیل و قبرس برای موازنه منطقه‌ای در ارتباط با ترکیه حساسی باز کرده باشد. در این نوشته نخست به بررسی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه می‌پردازیم. سپس اهمیت سوریه را برای روسیه تحلیل نموده و سرانجام سیاست‌ها و اقدامات مسکو را ارائه و در پایان، محدودیت‌های آن را بیان می‌کنیم.

## نگاه ترکیه در گذرگاه تحولات منطقه ای

دکتر حسن لاسجودی\*

تحولات سیاسی جاری در منطقه به ویژه تغییرات یک سال اخیر در کشورهای عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا سبب گردید تا مدار حرکت کشورهای منطقه به گونه‌ای دیگر رقم بخورد تا کمتر کسی دورنمای آن را از قبل بتواند پیش بینی کند چرا که تحولات بهار عربی در عمق کشورهای منطقه معادلات و شرایطی فراهم کرد که باعث شد تا بازیگران مختلف این حوزه و حتی بازیگران بین المللی دست به اقداماتی بزنند که تعجب برخی صاحب نظران را برانگیزاند.

در این میان رفتار و عملکرد دولتمردان آنکارا به نگاه تحلیلگران دارای فراز و نشیب قابل ملاحظه ای بوده چرا که مجموعه اقدامات و تعاملات دولت ترکیه با توجه به عملکرد دیپلماتیک آن در سالهای اخیر در عرصه منطقه نشان از تغییرات مهمی در پهنه عملیات سیاسی این کشور بروز داده است .

شاید مجموعه سیاستهای دولت ترکیه در به صفر رساندن مشکلات با همسایگان ، نگاه به شرق و افزایش تعاملات با حوزه پیرامونی سه محور اساسی عملکرد حزب عدالت توسعه در سالهای اخیر باشد ولی تزریق برخی نگاه‌های بلند نظرانه همانند احیای امپراطوری عثمانی یا تفکر نئو عثمانیزیم، پرش به سوی قدرت اول منطقه شدن و تمرکز بر پیوندهای سیاسی اقتصادی و حتی امنیتی فرامنطقه ای در نگاه آنکارا سبب شد تا در دوره جدید حاکمیت حزب نوگرایی عدالت و توسعه تغییراتی رخ دهد که نشان از پیوندها، نگاهها و اقدامات نوین این کشور دارد.

در چنین فضایی دو دیدگاه درباره نحوه رفتار دولت ترکیه در خصوص تحولات منطقه قابل اثبات است. برخی به روند طبیعی رفتار سیاسی دولتمردان حزب عدالت و توسعه معتقدند و برخی دیگر بر این باورند که نحوه عملکرد ترکیه در تحولات سیاسی اخیر چشم

---

\* . استناد دانشگاه

انداز نوینی از نگاه، رویکرد و حتی اقدامات مختلف را بگونه ای توجیه می کند که نشان از چرخش های اساسی در این میان دارد.

در ارزیابی و اولویت گذاری این دو نگاه بر اساس متغیرهای موجود می توان گفت که نگاه اول به دلایل گوناگون دارای و جاهت بیشتری برای قبول جهت توجیه چرایی اقدامات دولت ترکیه می باشد و با نگاهی دقیق به تمامی اظهارات، مواضع و عملکرد دولتمردان مستقر در آنکارا می توان گفت که آنان در مجموع نحوه اجرای دیپلماسی خود را برسبک و سیاقی طراحی کردند که از قبل نیز بر این باور بودند که مدار حرکت آنان برگرفته از مجموع عناصری است که این نحوه تعامل را توجیه می کند و لذا برای آنها این اقدام هیچ تازگی و نوآوری نداشته است ولی برای آنانکه از بیرون و با توجه به برخی اقدامات تاکتیکی و مواضع روبنایی سیاست خارجی ترکیه را ارزش گذاری می کنند تعاملات ترکیه از جنس و نوع دیگری تلقی می شود که شاید در باور برخی نیز نگنجد.

نمودار رفتاری دولتمردان حزب عدالت و توسعه در حدود یک دهه حاکمیت نشان از برخی ملاحظات اساسی در نگاه آنان به حضور در صحنه بین الملل دارد چرایی افعال اسلامگرایان حکایت از نقشه ای دارد که آنها می خواهند با ارائه یک مدل جدید ضمن برخورداری از جایگاه مناسب منطقه ای بتوانند برخی مسائل پر سابقه خود را نیز حل نمایند.

معضلات اقتصادی بزرگی همچون وضعیت تورم، رکود، بدهی خارجی، بیکاری، نرخ پایین سرمایه گذاری و مسائل مهمی همچون تغییرات سیاسی در سایه کودتاها، نقش پررنگ نظامیان در عرصه تقسیم قدرت، کاستی در حوزه آزادیهای فردی و اجتماعی، مشغله های همیشگی در مورد اقلیت ها از جمله مسائلی بودند که دولت ترکیه را در دهه های گذشته آزار می داده است و حاکمان جوان حزب عدالت و توسعه در آغاز فعالیت خود با تکیه بر تجربه تاریخی تلاش و افری بخرج داند تا مشکلات برجای مانده از دولتهای گذشته را بگونه ای مرتفع کنند.

در عین حال ارائه الگوی یک دولت جدید و مدرن که توانسته با حل مشکلات خود راه جدیدی در منطقه بییماید نیز از عوامل مهم تحرکات سیاسی دولت ترکیه به حساب می آید و به همین جهت حزب عدالت و توسعه بر اساس مشی سیاسی خود مسائل و معالادتی را در خود جای داد که از منظر ناظران بیرونی قابل جمع و هضم نبوده است . به بیان دیگر رفتار دولت ترکیه در پس تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا این گونه بود که درعین حال که به سرنوشت مردم منطقه علاقه نشان می داد درهمان حال نیز ترویج مدل سکولار مصر را تبلیغ می نمود. در همان حال که به کمک مردم تونس، لیبی و دیگر کشورها می رفت برای جوانان این کشورها دوره آموزشی برای آشنایی با حکومت داری برپا می کرد درهمان حال که از مشکلات اقتصادی و امنیتی مردم سوریه شکواییه داشت ازحق سرکوب دولت آل خلیفه حمایت می نمود و به همان اندازه که از قیام مردم مصر حمایت می کرد درخصوص نحوه تعامل منصفانه با مبارک نیز نظر داشته است .

درچنین فضایی به نظر می رسد که با توجه به صبغه رفتارهای خاص دولتمردان آنکارا در دفاع از مردم فلسطین، موضوع اعزام کشتی مرمره، مواجهه با پرز در اجلاس داووس و یا درخصوص روابط بسیار گرم با بشار اسد در سایه به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و عقد قراردادهای بسیار با دمشق و همچنین روابط با کشورهای شرقی و فعال کردن محور شرق در چارچوب نگاه به شرق همگی نشان از برخی تغییرات در نگاه و رویکرد دولت ترکیه می داد ولی به نظر می رسد با نگاهی عمیق تر به چهارچوب فعالیت ترکیه درموقعیت های مختلف این تغییرات معنای دیگری هم داشته باشد.

برخی موقعیت های ترکیه همانند عضویت در ناتو، تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا، ایجاد فرصت های موثر اقتصادی، نگاه نزدیک به قدرت منطقه ای شدن، عملگرایی دولتمردان جوان درعرصه بین المللی، تعهد به موازین پیمان کپنهاگ، ایجاد جامعه متکثر سیاسی، اجتماعی با نگاه به پایداری در قدرت، دوری از اندیشه های نسل قبلی اسلامگرایان در اداره کشور، بهره گیری از تاکتیک ایجاد فرصت برای ارتقای کشور و



تمرکز اساسی بر حوزه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در داخل و خارج از کشور فضایی را فراهم آورد تا حاکمان یک دهه گذشته ترکیه در منشوری حرکت نمایند که جز این راه انتخاب دیگری را نمی توانستند برای خود برگزینند.

این انتخاب ناگزیر، برآمده از شرایط جدید این کشور براساس دیدگاههای معمار جدید ترکیه است که در تلاش مضاعف است تا این کشور را از چرخه کشورهای منطقه با بهره گیری از فرصت تعاملات اقتصادی به اوج برساند و با بازیگری در فضای صرف منافع اقتصادی در تمامی حالات به منافع بیشتر بیندشد چراکه احمد داوود اوغلو به عنوان طراح استراتژی ترکیه بر این باور است که در نهایت نگاه آنکارا باید با جبهه غرب درهم آمیزد.

بر این اساس ضمن توجه جدی به دیدگاه معمار جدید ترکیه، باید قابلیت های این کشور را نیز مورد توجه جدی قرارداد چرا که نگاه بنیادین آنکارا به سوی اروپا در کنار هویت چندگانه این کشور و تاکید بر عنصر ژئوپلیتیک برای نقش آفرینی و اراده دولتمردان ترک در عدم ورود به ترتیبات منطقه ای و مهمتر از آن تاکید جدی بر ارتباطات جمعیت ترک در جهان و نقش کلان برای خود در این زمینه و در نهایت استقلال عمل داشتن ترکیه از جمله مهمترین نکات در نحوه عمل سیاسی این کشور می باشد.

کلام آخر اینکه اصطلاح معروفی در جامعه ترکیه رواج یافته که "ترکیه مزرعه آمریکا است" و با این نگاه بسیاری از مردم، احزاب، گروههای سیاسی و اجتماعی در حال گذران امور خود هستند و دولتمردان نیز بدلائیل گوناگون با این ذهنیت آشنایی دارند و در تلاشند که رفتار تحقیرآمیز برخی کشورهای اروپایی را نیز با اعمال خود پاسخ دهند.

## سیاست امریکا در برابر تحولات سوریه

دکتر محمد فرهاد کلینی\*

با پدید آمدن جنبش بیداری اسلامی در منطقه و سرگردانی ژئوپلیتیکی در سیاست منطقه‌ای امریکا نگرانی تغییر موازنه در شرایط جدید تبدیل به نگرانی راهبردی امریکا گردید.

تغییر معادله قدرت در تونس، مصر و یمن همراه با شدت گرفتن مطالبات مردمی در بحرین و پایداری مواضع جریان مقاومت غرب را به واکنش جدید برای تعریف از یک سیاست روبه جلو وا داشت و تلاش جهت مدیریت تحولات و اثر بخشی به روند ها جایگاه دیگری یافت. ورود به معادلات شمال افریقا با همراهی اروپا و احساس موفقیت غرب در لیبی با برچیده شدن حکومت قذافی امریکا را به این ایده سوق داد تا سیاست پر شتابی را برای نظام ساری امنیتی در خاورمیانه را همراه با جابجایی ارایش منیتی و نظامی را در دستور کار قرار دهد.

### الف) نگاه امریکایی به تحولات سوریه

در این راستا تغییر حاکمیت در سوریه با توجه به معادلات سنتی در منطقه از فوریت بیشتری برای غرب برخوردار شد تا به این وسیله جایگاه قدرت های رقیب در محیط مدیترانه، تغییر موازنه محدود به نفع رژیم تل آویو، تنزل پاسخ راهبردی کشورهای منطقه در صورت یک درگیری راهبردی در منطقه، مجبور نمودن ایران به تغییر یارگیری منطقه ای و تولید یک شیب جدید در مدیریت جنگ های نامنظم و نامتقارن و به هم زدن پیوستگی جدید ژئوپلیتیکی میان سوریه، ایران، عراق و ترکیه را دنبال نماید.

### ب) اهداف کلان امریکا در سوریه :

- \* تغییر حاکمیت موجود بر سوریه
- \* تلاش جهت تحمیل مدل حاکمیتی به سبک غرب در سوریه

---

\* کارشناس ارشد مسائل استراتژیک

\* تغییر توازن داخلی سوریه با توجه به ایجاد و جذب و مدیریت اپوزسیون

\* تغییر معادلات و جهت گیری سیاست خارجی سوریه

\* دفع سیاست های روسیه و چین و ایران در خاورمیانه

### **ج) سیاست های کاربردی امریکا در سوریه**

امریکا با روش جدیدی از ترکیب متغیر های ایجاد و سنتی سیاست های ربر را تا کنون دنبال کرده است :

\* جریان سازی ارتش ملی سوریه با همراهی ترکیه

\* تعامل پنهان و جدا از فرانسه با جنبش اخوان المسلمین سوریه

\* فشار امنیتی با تحریک و بهره برداری از گسل های امنیتی در جامعه و ارتش و نهاد های

امنیتی سوریه

\* تلاش جهت یک اجماع سازی مرحله ای و کنترل شده با اروپا (انگلیس، فرانسه، آلمان)

\* تعامل جدید با ترکیه با هدف تغییر جهت گیری انکارا در معادلات منطقه ای از طریق

بحران سوریه

\* پیگیری جهت بازتولید القاعده به وسیله عربستان در سوریه

\* پیگیری بین المللی کردن موضوع سوریه از طریق شورای امنیت

\* اعمال تحریم های یکجانبه و دو جانبه بر علیه سوریه

\* اعمال تحریم بر علیه ایران با بهره گیری از موضع سوریه

\* فاصله گیری محدود با فرانسه در سوریه پیرامون سرعت در نتیجه گیری خصوصا در

حوزه معارضین

## رژیم صهیونیستی، بیداری اسلامی و تحولات سوریه

هادی محمدی\*

آنچه ضریب امنیت رژیم صهیونیستی را در محیط استراتژیک منطقه‌ای ارتقاء و تضمین می‌بخشد، با بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه با شوک جدی روبرو نمود. در حلقه پیرامونی با پیمان‌های "کمپ دیوید" و "وادى عربیه" تنها نیاز رژیم صهیونیستی دستیابی به یک فرمول و نقشه راه در قبال سوریه و پرونده جولان بود ولی در سه دهه اخیر، عنصر مقاومت اسلامی لبنان (حزب اله) نیز به مولفه‌های برآورد وضعیت امنیتی و راهبردی این رژیم افزوده شد. آنچه در مذاکرات ژنو و دیدار حافظ اسد و کلیتون رخدادهای تمامی راهبرد نویسی‌های اتاق‌های فکر استراتژیک در رژیم صهیونیستی برای پاسخ‌گویی به چرایی و چگونگی مذاکره با سوریه به یک جمع‌بندی قطعی می‌رسد. **"صلح و مذاکره با حکومت سوریه امکان‌پذیر نیست و سوریه در شرایط احساس قدرت به خواسته‌های راهبردی در طرح مذاکراتی با اسرائیل تن نمی‌دهد."**

راهبرد و راه حل مشترک تمامی نخبگان تصمیم‌ساز و دستگاه‌های امنیتی و نظامی در این رژیم از پایان دهه نود و ابتدای قرن جدید بر این مسیر قرار گرفت که **"راهبرد فرسایش قدرت ملی در سوریه از طریق تضعیف و افزایش چالش و جنگ داخلی، بهترین اولویت برای اسرائیل در قبال سوریه است."** در جریان ترور رفیق حریری که ردپای رژیم صهیونیستی به شکل جدی مطرح بود، برنامه پیچیده‌ای برای پایان دادن به دغدغه‌های استراتژیک اسرائیل در قبال حزب اله و سوریه به اجرا درآمد ولی این روند به نتایج مطلوب نرسید.

رخداد بزرگ قرن جدید با وقوع بیداری اسلامی در محیط راهبردی رژیم صهیونیستی ثبت شد که قبل از هر قدرت غربی بر نگرانی امنیتی این رژیم افزود. حلقه‌های امن جنوبی

---

\* . کارشناس ارشد خاورمیانه

و غربی به دغدغه های قبل افزوده شد. چرا که نگاه و ارزیابی اسرائیل به بیداری اسلامی و راهبردهای الزامی برای خروج از بن بست تاریخی در عناوین زیر تجلی پیدا کرد:

**"اسرائیل، بیداری اسلامی را، کاهش فرصت ها و افزایش چالش های همه جانبه برای خود دانست و به سرعت به دنبال راهبرد بازسازی فرصت ها و کاهش چالش ها حرکت کرد".** این کار در یک هماهنگی دقیق با آمریکا و غرب، در قالب شیبه سازی تحولات بیداری اسلامی در سوریه شکل گرفت تا راهبردهای قبلی در قبال این کشور اجرایی شود. مزیت این راهبرد در شرایط جدید، آن بود که هزینه ها و دغدغه ها و چالش های شکل گرفته در کشورهای شمال آفریقا، با پیروزی در سوریه قابل جبران نشان می داد، به ویژه این که با تأثیر بر پیوندهای مقاومت منطقه ای، امکان باز تولید معادله مطلوب و برتر منطقه ای را برای خود حفظ می کرد.

اقدامات اسرائیل در قبال سوریه که کاملاً در نگاهی استراتژیک، هویت می یابد و سناریوهای گوناگونی برای آن منظور شده، حداقل در سه لایه متفاوت به اجرا در آمده است. **"اقدامات مستقیم، اقدامات غیر مستقیم و از طریق هم پیمانان و عملیات روانی و مدیریت کلان تحولات در سوریه، لایه های سه گانه را تشکیل می دهند."**

در این نگاه استراتژیک اگر براندازی در سوریه از طریق یک مداخله نظامی خارجی صورت پذیرد، چشم انداز حکومت پس از براندازی برای این رژیم بسیار قابل قبول تر خواهد بود، ولی غیر ممکن شدن یک اقدام نظامی و حمله از خارج، سناریوی فعال سازی جنگ داخلی از طریق ترکیب ناراضیان داخل و فراخوان جریانهای افراطی و سلفی از خارج را در دستور کار اسرائیل و غرب قرار داده است. لایه حداقلی از نگاه رژیم صهیونیستی این است که یک بی ثباتی و ناامنی پایدار در سوریه، می تواند حداقل های "استراتژی فرسایش در سوریه" را نیز تامین کند. در ارزیابی های کلان اسرائیل این نگرانی که تلاشهای جاری به نتیجه نرسیده و حکومت سوریه با اقتدار از آن خارج شود، از این منظر که حکومت پس از بحران، رویکردهای جدی تری در قبال رژیم صهیونیستی، آمریکا و غرب و ارتجاع عرب در پیش خواهد گرفت و به محور مقاومت نزدیک تر خواهد شد و رویکردهای مقاومتی را در جولان فعال می کند، دغدغه جدید است.

## راهبرد محور مقاومت در سوریه و ابتکارات سیاسی

دکتر حسین امیر عبداللہیان\*

بیداری اسلامی و تحقق انقلاب‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا دست کم دو نتیجه بارز

در سطح منطقه و بین‌المللی برجای گذاشته است:

اول - تقویت موج حمایت از فلسطین و محور مقاومت و دوم تضعیف رژیم صهیونیستی به عنوان متحد غرب.

تحولات سوریه نوزدهمین ماه خود را سپری می‌کند. محور امریکا-رژیم صهیونیستی در طراحی پیچیده و مبتنی بر مهندسی معکوس در قضیه سوریه با به راه انداختن جنگ تروریستی در این کشور اهداف چند وجهی ای را پیگیری می‌کنند که عبارتند است: فروپاشی محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی، جلوگیری از تحقق مطالبات مردم مسلمان در حوزه بیداری اسلامی به ویژه ناامید کردن مردم انقلابی جهان عرب در احیای مقاومت، ارسال این پیام به حوزه بیداری اسلامی که هزینه تداوم حمایت از محور مقاومت، تداوم کشتار و ناامنی برای منطقه خواهد بود و نظام سلطه اجازه تکمیل انقلاب‌ها را نخواهد داد. علیرغم تلاش‌ها و توطئه‌های فشرده امریکا، غرب، تل‌آویو و برخی سران عرب، علیه سوریه، مردم این کشور در مبارزه با تروریسم و تحقق اصلاحات بشار اسد گام‌های موفق‌تری را برداشته‌اند با این حال تلاش‌ها برای شکستن سوریه تداوم دارد.

مقام معظم رهبری در نشست سران جنبش عدم تعهد در تهران فرمودند که همه از این هندسه غلط بین‌المللی خسته شده‌اند... شرایط حساس جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است. معظم له در دیدار نخست وزیر سوریه با ایشان فرمودند: عامل اصلی و پشت پرده قضایای دردآور سوریه را امریکا و رژیم صهیونیستی می‌دانیم جنبش عدم تعهد قطعاً بیش از امریکا، ناتو و برخی کشورهای اروپایی، حق ورود سیاسی به مسائل

---

\* . کارشناس ارشد مسائل خاورمیانه.

سوریه را دارد. مقصر اصلی در قضایای سوریه کسانی هستند که زمینه ارسال سیل گونه سلاح به داخل سوریه و حمایت مالی از گروه‌های بی مسئولیت را بوجود آورده اند. دادن سلاح به گروه‌های مخالف در هر کشوری و حمایت مالی و تبلیغاتی از آنها زمینه ساز به وجود آمدن شرایطی همچون سوریه است. اگر امروز به مخالفان سیاستهای دولتهای اروپایی نیز که اقدام به برپایی تظاهرات می کنند، پول و سلاح داده شود، قطعاً وضعیت کنونی سوریه در این کشورها نیز به وجود خواهد دولت سوریه، در قضایای کنونی مورد ظلم واقع شده است، باید ضمن گرفتن هرگونه بهانه از مخالفان و بهانه جویان و ادامه اصلاحات سیاسی، واقعیت شرایط و پشت پرده توطئه در سوریه را برای افکار عمومی ملت‌های عرب تشریح و افشاء کند.

فرید زکریا با طرح این سوال که باید برای سوریه چه کرد؟ می گوید مداخله نظامی غرب به نظر گزینه بی دردسرساز است، امریکا دائماً روسیه را به خاطر حمایت از اسد ملامت کرده و معتقد است روسیه به خاطر حمایت از متحدش جان انسان‌ها را قربانی کرده و تجهیزات نظامی ارتش سوریه را فراهم کرده است. بخشی از این ادعا درست است و بخشی از آن هم غلط. دولت اوباما حملات بی هدفی علیه روسیه به راه انداخته است احتمالاً برای این که بالاخره کسی را به خاطر مخمصه سوریه که راه حل واضح چندانی ندارد ملامت کرده باشد. در ۲۲ ژوئن، وزیر امور خارجه امریکا، هیلاری کلینتون، آشکارا دولت روسیه را متهم کرد به اینکه هلی کوپترهایی به سوریه داده است که «تنش‌های داخلی سوریه را به شکل قابل توجهی افزایش می دهند ولی معلوم شد روس‌ها فقط سه هلی کوپتر به سوریه فرستاده‌اند که آن هم ۲۰ سال پیش به این کشور فروخته شده و فقط برای تعمیر به روسیه ارسال شده است.

در دیدار اخیر نگارنده مقاله با «محمد حسنین هیکل»، اندیشمند برجسته جهان عرب در قاهره، هیکل می گوید مردم سوریه خواهان «بهار ناتو» نیستند تجزیه سوریه به معنای بروز شکاف راهبردی در منطقه است. اکثریت مردم سوریه خواهان تکرار سناریوی لیبی در کشور خود و بهاری که ناتو برای آنها بیاورد نیستند. جنگ علیه سوریه در حال تبدیل

کردن کشمکش اصلی در منطقه از مناقشه اعراب - اسرائیل به کشمکش مذهبی و اسلامی - اسلامی می‌باشد و این اشتباه بزرگی است.

سوال اصلی این است که راهکار سیاسی مناسب برای تحقق آرمان‌های مبتنی بر بیداری اسلامی در حوزه مقاومت و تحولات سوریه کدام است؟ با عنایت بر این که برنده نزاع سوریه برنده نظم آینده جهانی خواهد بود.



## " نقش عربستان و قطر در بحران جاری سوریه "

سیدحسین نیکنام\*

رابطه عربستان و قطر در بحران جاری سوریه را می توان به صورت مشخص از نوع موضع گیری عربستان با سوریه پس از موضوع سین سین (سوریه - سعودی) در ماجرای دادگاه ویژه ترور رفیق حریری و همچنین مداخله قطر و ترکیه را پس از پایان موضوع سین سین و شروع مداخله مستقیم این دو کشور در خصوص ابقای سعد حریری نخست وزیر سابق لبنان در این پست و گرفتن موافقت سوریه و شخص بشار اسد و فشار بر حزب الله و گروه های موافق با آن در صحنه سیاسی لبنان در نظر گرفت.

درواقع قبل از شروع بهار عربی و برافتادن حکومت های موافق آمریکا در منطقه خاورمیانه ، اولین حکومت عربی که برافتادن آن در ماه های نوامبر و دسامبر ۲۰۱۰ مورد مناقشه بود حکومت سعد حریری در بیروت می باشد، که با سقوط این حکومت در ژانویه ۲۰۱۱، بحث براندازی حکومت سوریه به رهبری بشار اسد مورد توافق قرار گرفت و از سوی قطر و ترکیه اعلام گردید که با موافقت عربستان نیز همراه شد.

بهار عربی در تونس و مصر و نتایج حاصل از آن و درگیری های لیبی و یمن فرصتی را برای کشورهای مخالف حزب الله و مقاومت در منطقه فراهم آورد تا موضوع انتقام از بشار اسد و شکستی که بخاطر عدم همراهی وی با سیاست های منطقه ای آنان فراهم ساخته بود را با برنامه ریزی قبلی دنبال نمایند. بررسی نقش عربستان و قطر در سوریه از دیدگاه مسائل لبنان و دادگاه ترور رفیق حریری و موضوع حزب الله و مقاومت، بحث اصلی این گفتار را تشکیل می دهد.

---

\* . کارشناس ارشد خاورمیانه.

## اقدامات

### حوزه مطالعات سیاست خارجی

از ۸۳ تا ۹۰

سخنران	موضوع سخنرانی	زمان
دکتر رضا شعبانی استاد دانشگاه	نگاه نادرشاه افشار به قفقاز	دیماه ۱۳۸۳
دکتر علیرضا بیگدلی سفیر اسبق ایران در جمهوری آذربایجان	فراز و نشیب روابط ایران و جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی	بهمن ۸۳
آقای محمدفرهاد کلینی سفیر سابق ایران در ارمنستان	تلافی استراتژیها در بحران قراباغ	اسفند ۸۳
دکتر محمدتقی امامی خوئی استاد دانشگاه	ترکان جوان در قفقاز	فروردین ۱۳۸۴
دکتر حسین احمدی استاد دانشگاه	تالشان در جمهوری آذربایجان	اردیبهشت ۱۳۸۴
دکتر رحیم رئیس نیا پژوهشگر و مورخ	شروانشاهان، صفویه و عثمانی	خرداد ۱۳۸۴
دکتر نصرالله صالحی استاد دانشگاه	برخورد صفویان و عثمانیان در قفقاز (۹۹۸-۹۹۸) ق ۹۸۶	مرداد ۱۳۸۴
آقای علی پور صفر محقق و پژوهشگر	قفقاز و سیاست امپراتور عثمانی	شهریور ۱۳۸۴
آقای مهرزاد طباطبایی کارشناس ارشد مطالعات استراتژیک	بررسی تطبیق تغییر حاکمیت در قفقاز (۲۰۰۵-۲۰۰۰)	مهرماه ۱۳۸۴
آقای مرتضی رحمانی موحد رئیس اداره دوم مشترک المنافع وزارت خارجه	جایگاه ترکمنستان در منطقه و روابط با ایران	بهمن ۱۳۸۴
آقای مجتبی دمیرچی رئیس دبیرخانه دریای خزر وزارت خارجه	دربای خزر و رژیم حقوقی آن	اسفند ۱۳۸۴



- همایش ملی "مناقشه قراباغ" آبان ۱۳۸۴
- همایش ملی "بررسی کتب تاریخی جمهوری آذربایجان (با تکیه بر کتب درسی)" اردیبهشت ۱۳۸۵
- همایش ملی "بررسی تحولات جهان اسلام" شهریور ۱۳۸۵
- نشست تخصصی "مسئله فلسطین و جهان اسلام" مهرماه ۱۳۸۵
- همایش بین‌المللی "نوزایی مقاومت اسلامی در خاورمیانه (نگاهی به حماسه آبان ۱۳۸۵ حزب الله) همایش بین‌المللی "بررسی تحولات افغانستان (در یکصد سال اخیر) آذر ۱۳۸۵
- همایش ملی "بررسی جایگاه تالش شمالی در قفقاز" دیماه ۱۳۸۵
- همایش بین‌المللی "تأثیرات منطقه ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران" بهمن ۱۳۸۵
- همایش ملی "بررسی مسئله انسان شناسی فرهنگی در ایران" خرداد ۱۳۸۶
- همایش بین‌المللی "عراق امروز؛ چالشها و چشم اندازها" تیر ۱۳۸۶
- همایش ملی "بررسی حوادث سیاسی آذربایجان (۱۳۲۹-۱۳۲۰ش)" مرداد ۱۳۸۶
- همایش ملی "جواد خان گنجه ای مرزدار ایرانی قفقاز" آذر ۱۳۸۶
- همایش ملی "بررسی حوادث سیاسی مناطق کردنشین" اردیبهشت ۱۳۸۷
- همایش ملی "جنگ اوستیای جنوبی؛ زمینه‌ها، اهداف و پیامدها" مهر ۱۳۸۷
- همایش بین‌المللی "جنگ غزه؛ علل، چگونگی و نتایج" بهمن ۱۳۸۷
- همایش ملی "بازشناسی تاریخ شهرهای ایران (خوی)" اردیبهشت ۱۳۸۸
- همایش بین‌المللی "نقد و بررسی منابع مطالعات اران و آذربایجان" خرداد ۱۳۸۹
- همایش بین‌المللی "بررسی جنبشهای مردمی اخیر خاورمیانه" اردیبهشت ۹۰
- همایش ملی "جایگاه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گرجستان" آبان ۱۳۹۰